

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جاناتان کوک
برگردان: نادر ثانی
۲۲ جولای ۲۰۲۴

جاناتان کوک: یک گوش ترمپ خون آلود شد.

"خشونت سیاسی" ایالات متحده خطری بسیار بزرگتر برای بقیه ما ایجاد می‌کند.

بایدن و ترمپ دو چهره فاسد یک امپراتوری پوسیده هستند. لفاظی‌های قبيله نئ را نادیده بگیرید: هیچ یک تهدیدی وجودی ندارند. اما سیستم پشت سر آنها این کار را می‌کند.

نظرات منتشره در مورد سوءقصد به دونالد ترمپ عمدتاً بینش یا صداقت کمی ارائه می‌دهند. تنها استثنای این نگرانی کاملاً آشکار است که تیراندازی به رئیس‌جمهور سابق احتمالاً ایالات متحده را حتی بیشتر از آنچه که در حال حاضر است تبدیل به یک غول مسلح می‌کند.

دلیلی برای این امر وجود دارد. پاسخ‌ها - چه از طرف حامیان ترمپ و چه از طرف مخالفان ترمپ - همه در همان ایدئولوژی قبيله‌گرایی سیاسی قرار دارند که عامل تحریک فرد ضارب بوده است. هیچ‌یک از طرفین قادر به نگاهی به عملکرد خود نیستند زیرا سیستم ایالات متحده برای جلوگیری از چنین خودبازتابی طراحی شده است.

علی‌رغم آنچه طبقه سیاسی از شما می‌خواهد باور کنید، "خشونت سیاسی" در امریکا به اندازه شیرینی سیب امریکائی است. امپراتوری جهانی ایالات متحده بر اساس خشونت سیاسی یا تهدید به استفاده از آن، به ویژه پس از جنگ جهانی دوم ساخته شده است. کافیست که از مردم ویتنام، صربستان، امریکای لاتین، افغانستان، عراق، لیبیا، اوکراین و غزه در این مورد بپرسید.

تفاوت اکنون تنها این است که تسلط امپراتوری واشنگتن بر این گوشه و آن گوشه از جهان به وضوح در حال ضعیف شدن است.

پرزیدنت جو بایدن تنها کسی نیست که این واقعیت را نپذیرفته است. او اخیراً به جرج استفانوپولوس از شبکه خبری ABC گفت: "من دنیا را اداره می‌کنم".

اما نخبگان ایالات متحده به سرعت در می‌یابند که جهان دیگر خواست تسلیم مطلق شدن را ندارد.

بازوی نظامی بین‌المللی واشنگتن، ناتو، توسط روسیه در یک جنگ نیابتی در اوکراین به زمین زده می‌شود.

اسرائیل، کشور زیردست اصلی نظامی واشنگتن در خاورمیانه نفت‌خیز، ملو از تسلیحات امریکائی برای نابودی غزه است. اما در بحبوحه یک نسل‌کشی، اسرائیل ضعف خود را آشکار می‌کند. حماس شکست نخورده است. در واقع تقویت شده است. و نیروهای هرچه بیشتری از مخالفان هژمونی منطقه نئ اسرائیل خواهان همکاری بیشتر هستند.

سیاست داخلی فعلی ایالات متحده را تنها می‌توان از طریق منشور کاهش تدریجی نفوذ ایالات متحده در خارج بدرستی درک کرد. ایجاد تشکل‌های قدرت بین‌المللی که بتوانند جایگزین ایالات متحده باشند، تشکلاتی مانند بریکس، دامنه نظامی و اقتصادی و اشنگتن را تضعیف می‌کند.

گذشته از این‌ها هژمونی ایدئولوژیک و اشنگتن نیز در حال از هم گسستن است. سرمایه داری فراملی - که مقر آن در ایالات متحده است - هیچ پاسخی برای زبان‌های زیست محیطی ناشی از استخراج بی‌پایان منابع که برای سیر کردن اشتهای مصرف بیهوده و انبوه، آنچه که باید برای ایجاد سود بیشتر برای نخبگان شرکتی ادامه یابد، ندارد. همزمان با شدیدتر شدن غارت منابع محدود کره زمین، به‌ویژه در زمانی که شرکت‌ها همچنان گرسنگی ما را برای خواست استفاده بیش از اندازه کالاهای گوناگون تقویت می‌کنند، سایر کشورها کمتر مایل هستند که عقب‌نشینی کرده و اجازه دهند که ایالات متحده سهمی را که خودش می‌خواهد از ثروت جهانی بردارد. نتیجه این واقعیت بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی فزاینده‌ای است که بسختی می‌توان از آن غافل شد.

دستگاه هشتم

در ایالات متحده، دو انگیزه سیاسی برای پاسخ دادن به معضل یادشده در بالا وجود داشته است. اولین مورد - که توسط اردوگاه بایدن، با حمایت بیشتر رسانه‌های مستقر ایالات متحده و آژانس‌های سحررفی مانند CIA و NSA تدوین شده، این است که باید یک ستراتیژی شکست‌خورده را دوجندان کرده و به دنبال "تسلط بر طیف کامل جهانی" بود.

این بدان معناست که با نشانه‌گذاری کردن رقبای سرسخت، به ویژه روسیه و چین، باید هر گونه سرپیچی آنان از ستراتیژی ایالات متحده را مجازات کرد. این به معنای گسترش بی‌پایان جنگ‌ها، با خطر ذاتی افزایش ریسک آغاز یک رویارویی هسته‌ای است.

واکنش مهم‌تر دیگر را اردوگاه ترمپ نشان می‌دهد. اگر ایالات متحده دیگر نمی‌تواند به طور مؤثر اراده خود را در خارج از کشور تحمیل کند، به جای خطر روبرویی با تحقیر مکرر، باید ایالات متحده به موضع انزواگرایی‌تری عقب‌نشینی کند، حتی اگر این امر باعث شود که لفاظی امپریالیستی تشدید شود.

البته بخشی از دلایل موضع‌گیری درهم آمیخته ترمپ به شخصیت خودشیفته او برمی‌گردد. او خودش را بزرگ می‌کند، حتی اگر ترجیح می‌دهد که در حوزه کوچکی که بیشتر از حوزه‌های دیگر بر آن مسلط است رهبری را بر عهده گیرد. سزار ترمپ به طور غریزی از ساختارهای جهانی مانند ناتو و سازمان ملل که باید اکنون در کانون توجه قرار گیرد، بیزار است.

و بخشی از دلیل آن این است که ترمپ به طور کامل نمی‌تواند سیاست داخلی را نیز کنترل کند. او به ساختارهای قدرت عمیق‌تری - مانند آژانس‌های سه حرفی - وابسته است که در صورت موافقت با کاهش نفوذ ایالات متحده در صحنه جهانی، به سایه‌های رنگ‌پریده‌ای از خودشان تبدیل می‌شوند. آنها باید ترمپ را از محیطی که در آن احساس راحتی خود می‌کند بیرون بیاورند.

سیستم سیاسی ایالات متحده - چه دموکرات و چه جمهوری‌خواه - آشکارا هیچ پاسخی برای بحران‌های عمیقی که در داخل یا خارج از کشور با آن مواجه است ندارد. به همین دلیل است که انتخاب رأی‌دهندگان ایالات متحده بین بایدن و ترمپ، دو چهره فاسد در یک سیستم پوسیده از قدرت امپریالیستی است.

و از آنجائی که سیستم ایالات متحده هیچ راه حلی ندارد، باید توجه مردم عادی را به جنگ‌های داخلی هدایت کند. رأی‌دهندگان - یا کسانی که هنوز به اندازه کافی برای رأی دادن به سیستم اعتماد دارند - باید متقاعد شوند که انرژی خود را در نزاع قبیله‌ئی سرمایه‌گذاری کنند. لفاظی تفرقه افزایش می‌یابد: هر نامزد نامزد دیگر را تهدیدی وجودی می‌خواند، تهدیدی که به هر قیمتی جلوی آن باید گرفته شود.

حقیقت این است که هر نامزد - و اردوگاه‌هائی که پشت سر آنها ایستاده‌اند - این دستگاه خشم را تغذیه می‌کنند. یکی از اردوگاه‌ها می‌گوید بایدن مسؤل سوءقصد به ترمپ است. دیگری می‌گوید ترمپ به خاطر دامن زدن به شورش‌های ششم جنوری سال ۲۰۲۰ در کنگره مقصر است.

حداقل می‌توان نتیجه گرفت که هر دو مسؤل هستند، یا این که هیچکدام مسؤل نیستند، نه این که یک معیار را برای نامزد ریاست جمهوری مورد نظر قبیله خود و یک ستندرد متفاوت را برای نامزد قبیله مخالف اعمال کنید. این ریاکاری است.

اما بهترین نتیجه‌ای که می‌توانیم بگیریم این است که بفهمیم بایدن و ترمپ نشانه‌های بدنی بیمار هستند، نه علل وجودی آن. نه بایدن و نه ترمپ به خودی خود تهدیدی وجودی ایجاد نمی‌کنند. اما قدرت اقتصادی رو به زوال ایالات متحده با پشتیبانی از بزرگترین ماشین نظامی جهان که تا به حال وجود داشته و مصمم است به هر قیمتی زوال خود را متوقف کند، دقیقاً چنین تهدیدی را ایجاد می‌کند.

بایدن و ترمپ نماد هستند. یکی، موجودی پرورده از طبقه میلیاردرهای اهداکنندگان کمک‌های مالی، که اکنون عمیقاً در چنگال پارکینسون است. دیگری، یک تاجر درنده که تنها تعهدی که احساس می‌کند قدرانی از خود است، فردی که نمی‌تواند بین واقعیت و برنامه‌های سرگرم‌کننده تلویزیون تمایز قائل شود.

هیچ کس نباید این ادعا را جدی بگیرد که هر دو قادر به اداره جهان هستند.

آنچه آنها هستند نمادهای یک ایالات متحده آمریکا در بحران است. که با توجه به اعتیاد ایالات متحده به خواسته‌های امپریالیستی خود، یک بحران برای تمام بشریت است. یک گوش ترمپ خون‌آلود شد. اما ما یعنی دیگران بسیار بیشتر در خطر هستیم.

برگردان : نادر ثانی

۱۵ جولای ۲۰۲۴ برابر با ۲۵ تیرماه- سرطان- ۱۴۰۳